



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخدمت در حبوه بود، در اخبار تقریباً ده مورد برای ولد اکبر به عنوان حبوه ذکر شده است ولی آنچه که بین فقهاء ما مسلم و مشهور است چهار چیز یعنی ثیاب و خاتم و مصحف و سیف می باشد.

در اینجا بحثهای متعددی پیش می آید، اول اینکه با وجود صحت سند برخی از اخبار که در آنها بیشتر از چهار مورد ذکر شده چطور شده که فقهاء ما فقط به این چهار مورد فتوا داده اند؟ این بحث بر می گردد به اینکه ما با توجه به عمومات قران و روایات می دانیم که ترکه میت کلاً برای وراثت می باشد منتهی در این موارد تخصیص و تقیید قائل شده ایم و این چهار مورد را خارج کرده ایم و فقط به ولد اکبر داده ایم، خب این تخصیص دلیل لازم دارد که به حجیت اخبار آحاد بر می گردد، دلیل حجیت اخبار آحاد بناء عقلاء می باشد یعنی خبر واحدی که موجب اطمینان عند العقلاء باشد حجت می باشد به عبارت دیگر دلیل ما برای حجیت اخبار آحاد حصول اطمینان بابت صدور خبر از معصوم علیه السلام می باشد، از طرفی فقهاء ما از بقیه اخبار اعراض کرده اند و به آنها عمل نکرده اند و فقط به اخباری که همین چهار مورد (ثیاب و مصحف و خاتم و سیف) در آنها ذکر شده عمل کرده اند و همین اعراض و عدم عمل فقهاء ما به بقیه اخبار باعث می شود که اطمینان لازم برای ما حاصل نشود لذا فقط نسبت به همین چهار مورد حجت داریم.

آیت الله العظمی آقای خوئی طبق مبنای خودشان اعراض و عمل اصحاب را در حجیت اخبار آحاد موثر نمی داند بلکه به سند خبر نگاه می کند و می فرماید اگر خبر سنداً صحیح بود حجت است ولو اینکه فقهاء به آن عمل

نکرده باشند و اگر خبر سنداً ضعیف بود حجت نیست ولو اینکه فقهاء به آن عمل کرده باشند البته ایشان نتوانستند این مشی را ادامه بدهند زیرا در ما نحن فیه فقط همین چهار مورد را به عنوان حبوه برای ولد اکبر ذکر کرده با اینکه در خبر اول باب که صحیح هم بود علاوه بر اینها رحل و راحله نیز ذکر شده است.

مطلب دوم اینکه صاحب جواهر در دو جا فرمودند بین این اخبار که مورد بحث ماست با اخبار مربوط به بئر فرق وجود دارد، چند قرن فقهاء ما اجماع داشتند که اگر نجاستی در چاه بیافتند نجس می شود و باید مقدار مشخصی از آب چاه کشیده شود تا پاک بشود ولی بعداً فقهاء ما فرمودند آب چاه مثل آب کر و جاری است و تا أحد از اوصاف ثلاثه بواسطه نجاست تغییر نکند نجس نمی شود زیرا خبر صحیحی داریم که بر این مطلب دلالت دارد و این خبر صحیح تمام اخبار بئر با اجماعی که در مورد آن بود را کنار زد، خلاصه ما نحن فیه با اخبار بئر فرق دارد.

خب و اما مقداری از کلام امام رضوان الله علیه را می خوانیم تا مطلب روشن شود، ایشان در تحریر الوسيلة اینطور فرمودند: «الخامس: یحیی الولد الأكبر من ترکه أبيه بثیاب بدنه وخاتمه و سیفه و مصحفه.

مسألة ۱ : تختص الحبوة بالأکبر من الذکور بأن لا یکون ذکر اکبر منه، ولو تعدد الأکبر بأن یکونا بسن واحد ولا یکون ذکر ذکر منها تقسم الحبوة بينهما بالسوية، وكذا لو كان أكثر من اثنين، ولو كانا لذكر واحدا یحیی به، وكذا لو كان معه أنثی وإن كانت أكبر منه»^۱.

چند روز قبل خبری را در مورد تولد فرزندان دو قولو خواندیم که امام صادق علیه السلام فرموده بودند آن فرزندی که دوم به دنیا می آید بزرگتر است زیرا نطفه او اول منعقد شده ولی امام رضوان الله علیه و دیگران این مطلب را بیان نکرده اند و به این خبر عمل نکرده اند شاید علتش

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۸۱، مسئله ۱، طنجف.

این باشد که عرفاً آن فرزندی که زودتر به دنیا بیاید بزرگتر شناخته می شود نه آن یکی که نطفه اش زودتر منعقد شده، خلاصه نظر امام رضوان الله علیه این است که آن فرزندی که از نظر ولادت زودتر متولد شده بزرگتر می باشد.

امام رضوان الله علیه در ادامه اینطور می فرماید: «مسئله ۲: لا فرق في الثياب بين أن تكون مستعملة أو مخيطة للبس وإن لم يستعملها، ولا بين الواحد والمتعدد، كما لا فرق بين الواحد والمتعدد في المصحف والخاتم (به نظر بنده اینطور نیست و از اخبار این فهمیده نمی شود لذا باید به عرف رجوع کرد و هرجا شک کردیم نیز به عمومات باب ارث رجوع می کنیم که ترکه را برای همه رواث می دانند)، والسيف لو كانت مستعملة أو معدة للاستعمال.

مسئله ۳: الأقوى عدم كون السلاح غير السيف (سلاح روز) والرحل والراحلة من الحبوة، والاحتياط بالتصالح مطلوب جدا.

مسئله ۴: لو لم تكن الحبوة أو بعضها فيما تركه لا يعطى قيمتها.

مسئله ۷ - الأقوى عدم اشتراط كون الولد عاقلاً رشيداً، وفي اشتراط كونه غير المخالف من سائر فرق المسلمين تأمل و إن لا يبعد إلزامه بمعتقده (قاعده الزام) إن اعتقد عدم الحبوة.

مسئله ۸ - يقدم تجهيز الميت وديونه على الحبوة مع تزامنها بأن لا تكون له إلا الحبوة، أو نقص ما تركه غير الحبوة عن مصرف التجهيز والدين، ومع عدم التزامها بأن يكون ما تركه غيرها كافياً فالأحوط للولد الأكبر أن يعطى لهما منها بالنسبة.^۲

حب و اما آیت الله العظمی آقای خوئی نیز در منهاج الصالحین مسائلی در مورد حبوه دارند و اینطور

فرمودند: «مسئله ۱۷۴۶: لا يدخل في الحبوة مثل الساعة و في دخول مثل الدرع و الطاس و المغفر و نحوها من معدات الحرب إشكال بل الأظهر العدم و الأحوط في مثل البندقية و الخنجر و نحوهما من آلات السلاح المصالحة مع سائر الورثة نعم لا يبعد تبعية غمد السيف و قبضته و بيت المصحف و حمانلهما لهما و في دخول ما يحرم لبسه مثل خاتم الذهب و ثوب الحرير اشكال، و إذا كان مقطوع اليدين فالسيف لا يكون من الحبوة و لو كان أعمى فالمصحف ليس منها نعم لو طرأ ذلك اتفاقاً و كان قد أعدهما قبل ذلك لنفسه كانا منها.

مسئله ۱۷۴۷: إذا اختلف الذكر الأكبر و سائر الورثة في ثبوت الحبوة أو في أعيانها أو في غير ذلك من مسائلها لاختلافهم في الاجتهاد أو في التقليد رجعوا إلى الحاكم الشرعي في فصل خصومتهم»^۳.

این مسائل تماماً اجتهادی می باشد.

سید بحر العلوم در اشعار فقهی که دارد اینطور فرموده:

«و الولد الأكبر حتماً يحيى/من مال ميته و قيل ندبا

ثيابه و سيفه و المصحف/و خاتما ان غير هذا خلفا

و اختلفوا فرأى بعض العلماء/في هذه الأشياء ان تقوما

عليه من ميراثه المعلوم/و قيل بل يحيى بلا تقويم

فيأخذ المذكور من غير عوض/لكنه يقضى الصيام المفترض

عنه و يقضى أيضا الصلوات/إذ العذر لا لعمد فاتا»^۴.

خب واما با توفیق پروردگار متعال بچثمان در طبقه اول ارث

تمام شد و از فردا إن شاء الله در مورد طبقه دوم بحث

خواهیم کرد... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۳ منهاج الصالحين، سيد ابوالقاسم خوئی، ج ۲، ص ۳۶۱.

^۴ الدررة النجفية، سيد بحر العلوم، ص ۱۹۳.

^۲ تحرير الوسيلة، امام خمينی (ره)، ج ۲، ص ۳۸۲، ط نجف.